

گام‌های پَسین در فلسفه بَرین

گام مبانی

حسین عشاقی

کتابخانه فلسفه اسلامی

■ عنوان تحقیق: گام‌های پسین در فلسفه برین (گام مبانی)

■ پژوهشکده: حکمت و دین پژوهی

■ گروه علمی: فلسفه

■ محقق: حسین عشاقی

■ ارزیابان علمی: سیددالله یزدان‌پناه و سیدمحمد انتظام

■ موضوع اصلی: فلسفه

■ موضوع فرعی: فلسفه اسلامی



گام‌های پسر در فلسفه برین

گام میانی

حسین عشاقی

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ سوم: ۱۳۹۶

شمارگان: ۲۰۰

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

طراح جلد: سید ایمان نوری نجفی

چاپ و صحافی: الغدیر

سرشناسه: عشاقی اصفهانی، حسین، ۱۳۳۴-.

عنوان و نام پدیدآور: گام‌های پسر در فلسفه برین (گام میانی) / حسین عشاقی.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۳۶۴ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۸-۳۲۲-۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: کتابنامه. یادداشت: نمایه.

موضوع: فلسفه اسلامی.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده‌بندی کنگره: BBR ۱۴ /ع۵ک۳ ۱۳۹۴

رده‌بندی دیویی: ۱۸۹/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۹۷۳۴۳

تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

www.poiict.ir

همه حقوق محفوظ است

فهرست

۱۷	پیشگفتار
۲۱	مقدمه
۲۱	الف) تبیین هدایت ضرورت بازسازی فلسفه بر مبنای وحدت وجود
۲۳	ب) پیشینه تحقیق
۲۵	ج) هدف و روش در این تحقیق
۲۶	د) تعریف مسئله و بیان مسأله‌ها؛ تحقیق
۲۷	ه) فرضیه‌های تحقیق
۲۷	و) نوآوری و نقدهای تحقیق
۲۹	ز) ساختار کلی این تحقیق

۳۱	بخش اول: فلسفه از نگاه دیگران
۳۳	تمهیدات
۳۳	۱. تحکیم یک مقدمه عام
۳۴	اشکال صادره در بیان امتناع ارتفاع نقیضین
۳۵	برهانی بر اصل امتناع ارتفاع نقیضین
	اشکال نقض امتناع ارتفاع نقیضین، به جواز سلب نقیضین از معدومات و پاسخ
۳۵	آن
۳۶	۲. طرح بحث در مورد موضوع فلسفه اولی
۳۸	۳. حکم ناپذیری «هستی»

- ۳۸.....تعریف حکم
- ۴۰.....برهان اول
- ۴۲.....برهان دوم
- ۴۳.....برهانی بر عدم ناب‌بودن نقیض «وجود ناب»
- ۴۴.....برهان سوم
- ۴۵.....۴. موانع حکم‌پذیری «هستی»
- ۴۶.....امتناع عروض بر «هستی»
-سند خارجی نبودن عروض احکام وجود به لحاظ معقول ثانی بودن آنها و پاسخ
- ۴۶.....
- ۵۱.....امتناع عروض نواجب‌الوجود و «ممتنع‌الوجود» بر حقیقت «هستی»
- ۵۲.....کثرت‌پذیری نسبت «وجود»
- ۵۳.....۵. خلاصه سخن و نتیجه‌گیری
- ۵۳.....شرایط حکم‌شدن مبانی برای موضوعی
- ۵۴.....اشکال ضرورت حکم‌بودن یکی از نقیضین برای «هستی» و پاسخ آن
- ۵۶.....اشکال لزوم ارتفاع نقیضین از حکم نبودن نقیضین برای «هستی» و پاسخ آن
- ۵۹.....۶. هشدارهایی در مورد حکم‌ناپذیری «ی»
- ۶۱.....۷. فضای شکل‌گیری موضوع و حکم برای همه اولی
- ۶۱.....برهان نفی کثرت از وجود
- فصل اول: نگاهی به مباحث زیربنایی فلسفه مشائی و نقد آن..... ۶۳**
- ۶۳.....بیشگفتار
- ۶۴.....مبحث اول: نگاهی به مبادی یا مسائل اصلی فلسفه مشائی
- ۶۴.....گفتار اول: تعریف فلسفه اولی در فلسفه مشائی
- ۶۵.....گفتار دوم: موضوع فلسفه اولی در فلسفه مشائی
- ۶۶.....گفتار سوم: عوارض ذاتی موجود بما هو موجود در فلسفه مشائی
- ۶۶.....گفتار چهارم: وجود عام در فلسفه مشائی
- ۶۷.....گفتار پنجم: کثرت وجود فلسفه مشائی با حقایق کاملاً متباین
- ۶۸.....مبحث دوم: نقد مبادی یا مسائل اصلی فلسفه مشائی
- ۶۸.....گفتار اول: بطلان موضوع فلسفه‌بودن «موجود مطلق» بر اساس دیدگاه مشائیان

- گفتار دوم: عدم تحقق مصداقی برای «عوارض موجود بما هو موجود» بر اساس دیدگاه مشائیان..... ۷۱
- گفتار سوم: بطلان دیدگاه فلاسفه مشائی در تعریف فلسفه..... ۷۲
- گفتار چهارم: امتناع اتصاف وجودات خاصه به وجود عام بر اساس دیدگاه مشائیان..... ۷۳
- گفتار پنجم: نقد کثرت وجود فلسفه مشائی با حقایق کاملاً متباین..... ۷۴
- برهان اول..... ۷۴
- برهان دوم..... ۷۵
- گفتار ششم: امتناع عرضی بودن وجود عام نسبت به وجودات خاصه مشائیان..... ۷۷
- گفتار هفتم: نقد استدلال فلاسفه مشائی بر تباین وجودات خاصه..... ۷۸
- فصل دوم: نگاهی به مباحث زیربنایی فلسفه اشراقی و نقد آن ۸۱**
- مبحث اول: نگاهی به مبادی یا مسائل اصلی فلسفه اشراقی..... ۸۱
- گفتار اول: تعریف فلسفه اشراقی..... ۸۱
- گفتار دوم: موضوع فلسفه اشراقی..... ۸۲
- گفتار سوم: کثرت و وحدت فلسفه اشراقی بر اساس تباین نور و ظلمت..... ۸۲
- مبحث دوم: نقد مبادی یا مسائل اصلی فلسفه اشراقی..... ۸۵
- گفتار اول: اشکالات دیدگاه کثرت وجود فلسفه اشراقی بر اساس تباین نور و ظلمت..... ۸۵
- الف) اشکال خروج مقسم از دو سوی ساقف..... ۸۷
- درستی تردید بین نقیضین و نادرستی تقسیم به نقیضین..... ۸۸
- ب) اشکال لزوم تناقض از تقسیم شیء یا وجود به نور و چیزی که نور نیست..... ۹۳
- ج) اشکال لزوم اجتماع نور و ظلمت از تقسیم شیء یا وجود به نور و چیزی که نور نیست..... ۹۵
- تناقضی دیگر..... ۹۶
- د) اشکال امتناع مقسمیت چیزی برای نور و چیزی که نور نیست..... ۹۶
- گفتار دوم: عدم تحقق موضوعی برای فلسفه اولی بر اساس دیدگاه فلاسفه اشراقی..... ۹۷
- گفتار سوم: مصداق نداشتن تعریف فلسفه اولی بر اساس دیدگاه فلاسفه اشراقی..... ۹۸

فصل سوم: نگاهی به مباحث زیربنایی حکمت متعالیه صدرائی و نقد

آن ۱۰۱

مبحث اول: نگاهی به مبادی یا مسائل اصلی حکمت متعالیه صدرائی ۱۰۱

گفتار اول: تعریف فلسفه اولی ۱۰۱

گفتار دوم: اطلاعات وجود ۱۰۲

گفتار سوم: حقیقت وجود و تشکیک خاصی در آن ۱۰۲

گفتار چهارم: اصالت وجود ۱۰۴

مبحث دوم: نقد مبادی یا مسائل اصلی حکمت متعالیه صدرائی ۱۰۵

گفتار اول: نقد نظریه تشکیک خاصی در حقیقت وجود ۱۰۵

۱. اشکالات وارد بر اصل دعوی تشکیک خاصی وجود ۱۰۶

۲. اشکال عدم مسانخت مراتب نازل با مرتبه واجب الوجودی ۱۰۶

۳. متناقض شدن مراتب وجود امکانی یا مرتبه وجود واجبی بر مبنای

تشکیک ۱۰۸

۳. ملازمت تنسب مراتب با تعدد واجب الوجود ۱۱۲

بیان اشکال پیشین به شکل دیگر ۱۱۴

۴. ناهمگونی مابعدالاشتراک و اشکال نیاز در مراتب وجودات امکانی ۱۱۵

۵. ناهمگونی هر مرتبه با سایر مراتب ۱۱۶

۶. ناسازگاری تنزل حقیقت وجود با اصالت آن در وجود متنزل ۱۱۷

ب) اشکالات وارده بر ادله تشکیک خاصی وجود ۱۲۰

گفتار دوم: ارزیابی وحدت شخصی حکمت متعالیه صدرائی ۱۲۱

الف) برهان صدرالماتلهین بر وحدت شخصی وجود ۱۲۲

۱. اثبات مقدمه اول ۱۲۲

۲. اثبات مقدمه دوم برهان ۱۲۴

۳. نتیجه‌گیری از دو مقدمه ۱۲۶

ب) نقدهای وارد بر استدلال صدرالماتلهین بر وحدت شخصی وجود ۱۲۶

۱. اشکال عدم تحقق موضوع استدلال ۱۲۶

معلول شدن واجب الوجود ۱۲۶

لزوم خلف ۱۲۸

- ۱۲۹..... ۲. اشکال مخدوش بودن مقدمه اول
- ۱۳۰..... پاسخ به دو استدلال مقدمه اول
- ۱۳۱..... ۳. اشکال مخدوش بودن مقدمه دوم
- ۱۳۵..... (ج) بُرد برهان صدرالمتهین بر وحدت شخصی وجود در فرض تمامیت آن
- ۱۴۰..... گفتار سوم: بیان و نقد تشکیک غیرتفاضلی در حقیقت وجود
- ۱۴۲..... الف) برهان صدرالمتهین بر تشکیک غیرتفاضلی
- ۱۴۴..... ب) اشکالات وارد بر دعوی تشکیک غیرتفاضلی وجود
- ۱۴۴..... ۱. اشکال لزوم خلف یا تناقض
- ۱۴۶..... ۲. اشکال لزوم خلف یا تناقضی دیگر
- ۱۴۸..... ۳. اشکال لزوم انقلاب در حقیقت وجودات
- کمال اولویت مصداقیت مرتبه اشرف یک حقیقت برای آن، و پاسخ آن
- ۱۵۰.....
- ۱۵۳..... ج) اشکالات استدلال تشکیک غیرتفاضلی وجود
- ۱۵۳..... ۱. اشکال بساطت واجب به عنوان صغرای قیاس
- ۱۵۴..... ۱-۱. ملازمه بساطت مطلق و با تناقض در محمول صغرا
- ۱۵۹..... ۱-۲. امتناع بساطت جبالوجود
- ۱۶۰..... ۲. اشکال بر قاعده بسیط الحقیقه عنوان کبرای قیاس
- ۱۶۱..... ۱-۲. ابتناء قاعده «بسیط الحقیقه» نکته گمنامی کثرت در وجود
- ۱۶۴..... ۲-۲. عدم لزوم خلف در فرض سلب امر وجودی بسیط الحقیقه
- ۱۶۴..... ۲-۳. ناتمامی استدلال بر لزوم خلف در صورت سلب امر وجودی از بسیط
- ۱۶۸.....
- ۱۷۱..... ۲-۴. عدم لزوم خلف حتی در فرض لزوم ترکیب در بسیط الحقیقه
- ۱۷۲..... گفتار چهارم: نقد نظریه اصالت وجودهای خاص
- ۱۷۲..... الف) دو برهان بر امتناع اصالت وجودهای خاص
- ۱۷۳..... ب) برهان‌هایی بر ملازمت اصالت وجود با وجوب ذاتی آن
- ۱۷۶..... ج) اشتراک شیخ اشراق و صدرالمتهین در طرح یک اشکال
- ۱۷۸..... گفتار پنجم: نقد ادلة اصالت وجودهای خاص
- ۱۷۸..... الف) بیان و نقد دلیل اول

۱۷۹ بیان و نقد دلیل دوم

۱۸۰ بیان و نقد دلیل سوم

۱۸۳ بیان و نقد دلیل چهارم

۱۸۴ بیان و نقد دلیل پنجم

۱۸۴ بیان و نقد دلیل ششم

۱۸۵ بیان و نقد دلیل هفتم

۱۸۶ بیان و نقد دلیل هشتم

۱۸۸ بیان و نقد دلیل نهم

۱۹۱ بیان و نقد دلیل دهم

گفتار ششم: مبحث تحقق موضوع فلسفه اولی بر اساس دیدگاه فلاسفه حکمت

۱۹۴ مثال

بخش دوم: فلسفه از نگاه ما ۱۹۵

فصل اول: موضوع فلسفه اولی ۱۹۷

مبحث اول: مباحث مقدماتی در بیان موضوع فلسفه اولی ۱۹۷

گفتار اول: تعریف موضوع علوم ۱۹۷

گفتار دوم: تفاوت حکم‌ناپذیری با محمول‌ناپذیری ۱۹۹

گفتار سوم: اقسام محمولات ۲۰۰

گفتار چهارم: محمولاتی که از احکام موضوعاتشان ۲۰۳

گفتار پنجم: امکان ظهور حقیقت واحد در جلوه‌های متعدد ۲۰۴

الف) مثال حد و محدود ۲۰۴

ب) مثال صفات ذاتی حق ۲۰۵

ج) مثال حیثیات صادر نخستین ۲۰۶

د) مثال عاقل و معقول در مجرد جوهری ۲۰۷

ه) مثال‌هایی از متون روایی ۲۰۸

گفتار ششم: برهان‌هایی بر ظهور حقیقت «وجود» در جلوه‌های متعدد، بلکه

بی‌نهایت ۲۱۳

الف) برهان بر اساس امتناع رفع نقیضین ۲۱۳

- ب) برهان بر اساس واجب بودن هر «موجود» و وحدت واجب ۲۱۶
- ج) تفاوتی بنیادین بین فلسفه انتخابی و فلسفه های رایج ۲۱۷
- د) تنظیری برای مدعای گفتار ششم از اعداد ۲۱۷
- ه) اشکال بر برهان مدعای گفتار ششم، به جواز سلب نقیضین از حقیقت
لا بشرطی «وجود» و پاسخ آن ۲۱۹
- ز) اشکال نقض برهان مدعای گفتار ششم، با وجوب قالب ظهوری در حمل
ظواهرهای وجود و پاسخ آن ۲۲۰
- ح) اشکال لزوم همسانی وجود و ظهورانش در وحدت و کثرت، در صورت
اتحاد شیئیت آن دو، و پاسخ آن ۲۲۳
- ط) اشکال لزوم ورود اشکالات قاعده بسیط الحقیقه بر ظاهرهای متکثر
و پاسخ آن ۲۲۴
- ی) مرید ظهیر «جود» ۲۲۹
- گفتار هفتم: «متناقض بودن ظاهرهای وجود در قالبهای متقابل ۲۳۰
- تنظیری برای بحث فدلته های رایج ۲۳۲
- گفتار هشتم: اقسام ظاهرهای وجود ۲۳۲
- مبحث دوم: دیدگاه انتخابی در موضوع فلسفه اولی ۲۳۳
- گفتار اول: مقتضیات دیدگاه منتخب دربارهٔ صوع فلسفه ۲۳۳
- الف) کثرت پذیری حقیقت «وجود» از جهت علم ۲۳۴
- ب) جواز عروض بر حقیقت «وجود» از جهت ظهور ۲۳۴
۱. اشکال خارجی نبودن عروض احکام وجود به لحاظ اول ثانوی بودن
آنها و پاسخ آن ۲۳۶
۲. اشکال امتناع عروض احکام بر حقیقت وجود از حیث ظهور و پاسخ
آن ۲۳۸
- ج) جواز انقسام پذیری «وجود» از جهت ظهورش ۲۳۹
۱. برهانی بر انقسام ناپذیری وجود ۲۳۹
۲. اشکال لزوم تناقض از انقسام وجود از جهت ظهور، و پاسخ آن ۲۴۱
- د) جواز تابعیت در ظهور در عین استقلال در شیئیت ۲۴۴

۱. برهان عقلی بر جواز ظهور واجب‌الوجود در کسوت مظاهر وابسته به
 غیر ۲۴۴
۲. برهان نقلی بر جواز ظهور واجب‌الوجود در کسوت مظاهر وابسته به
 غیر ۲۴۷
- ه) سازگاری عمومیت وجود به حسب ظهور، با عروض حکم ۲۴۸
- یادآوری دو نکته ۲۵۳
- گفتار دوم: تمایز موضوعات سایر علوم با موضوع فلسفه ۲۵۴
- مصلح دوم: مبانی تصدیقی مسائل فلسفه اولی ۲۵۷**
- مبانی اول: اثبات ۲۵۷
- گفتار اول: جایگاه مبانی امور عامه ۲۵۷
- الف) اشکال حکم‌مدن امور عامه به عنوان ظاهرهای وجود برای حقیقت
 «وجود» و پاسخ ۲۵۹
- ب) جهت اتحاد و اختلاف این گزاره‌ها ۲۶۰
- گفتار دوم: معیار کشف ظهورات ظاهرهای وجود ۲۶۱
- گفتار سوم: انقسام مبادی تصدیق گزاره‌های فلسفی به دو دسته ۲۶۳
- مبحث دوم: مبادی تصدیقی مسائل فلسفی ۲۶۵
- گفتار اول: اثبات گزاره «وجود»، موجود است ۲۶۵
- الف) برهان اول ۲۶۶
- اشکال لزوم دور، در صورتی که «وجود» ملاک حقیق و موجود باشد و
 پاسخ آن ۲۶۷
- ب) برهان دوم ۲۷۱
- بیانی دیگر برای برهان دوم ۲۷۱
- ج) برهان سوم ۲۷۲
- د) برهان چهارم ۲۷۲
- ه) برهان پنجم ۲۷۳
- و) برهان ششم ۲۷۴
- ز) برهان هفتم ۲۷۵
- گفتار دوم: اثبات گزاره «وجود»، موجود بالذات است ۲۷۶

- ۲۷۶ الف) برهان اول
- ۲۷۷ ب) برهان دوم
- ۲۷۷ ج) برهان سوم
- ۲۷۸ د) برهان چهارم
- ۲۷۸ ه) برهان پنجم
- ۲۷۹ ظاهره نبودن موجودیت برای «وجود»
- ۲۷۹ گفتار سوم: اثبات گزاره «(وجود»، واجب الوجود بالذات است)
- ۲۷۹ مقدمه: دو معنای «واجب الوجود بالذات»
- ۲۸۲ الف) اثبات واجب الوجود بالذات بودن حقیقت «وجود» به معنای اول
- ۲۸۲ ب) برهان بر اساس امتناع ذاتی اجتماع نقیضین
- ۲۸۳ برهان بر اساس امتناع ذاتی ارتفاع نقیضین
- ۲۸۴ ۳. همان بر اساس عدم بودن نقیض واجب بالذات
- ۲۸۴ ۴. همان بر اساس ملازمت خلاف مدعا با عدم بودن وجود
- ۲۸۵ ۵. برهان بر اساس ملازمت خلاف مدعا با سه تناقض
- ۲۸۶ ۶. برهان بر اساس ملازمت خلاف مدعا با عدم بودن برخی وجودها
- ۲۸۷ ۷. برهان بر اساس ملازمت خلاف مدعا با ارتفاع نقیضین
- ۲۸۸ ۸. برهان بر اساس امتناع نقیض واجب الوجود
- ۲۸۹ ب) اثبات واجب الوجود بالذات بودن حقیقت «وجود» به معنای دوم
- ۲۹۱ گفتار چهارم: اثبات گزاره «(وجود»، ممکن الوجود است)
- ۲۹۱ الف) امتناع وجود امکانی و بطلان تثلیث مواد
- ۲۹۳ ب) دو برهان بر بطلان تثلیث مواد
- ۲۹۵ ج) تبیین ممکن الوجود بودن حقیقت «وجود» و ظاهره های آن
- ۲۹۸ د) تعریف حقیقت امکانی
- ۳۰۰ ه) عدم تنافی واجب الوجود بودن و ممکن الوجود بودن حقیقت «وجود»
- ۳۰۴ گفتار پنجم: اثبات گزاره «(وجود» متکثر نیست)
- ۳۰۴ الف) تمهید
- ۳۰۵ ب) براهین عدم تکثر وجود
- ۳۰۵ ۱. برهان بر مبنای واجب الوجود بودن حقیقت «وجود»

۲. برهان بر مبنای ملازمت کثرت با تناقض و سلب قسم از خودش..... ۳۱۰
- اثبات مقدمه اول..... ۳۱۰
- اثبات مقدمه دوم..... ۳۱۱
۳. برهان بر مبنای ملازمت کثرت با ارتفاع نقیضین از «وجود»..... ۳۱۳
۴. برهان بر مبنای امتناع مقسمیت چیزی برای «ج» و چیزی که «ج» نیست..... ۳۱۴
- امتناع ثبوت لازمه مشترک برای نقیضین..... ۳۱۴
- ملازمت تحقق کثرت در وجود با ثبوت لازمه مشترک برای نقیضین..... ۳۱۵
۵. برهان بر مبنای امتناع نقیض واجب‌الوجود..... ۳۱۵
- کمال ثبوت کثرت در وجود به عین وجود واجب بالذات و پاسخ آن..... ۳۱۶
- بیان برهان پنجم به شکل دیگر..... ۳۱۷
۶. برهان بر مبنای لزوم اجتماع نقیضین در مابه‌الامتیازها..... ۳۱۸
- (ج) امکان کثرت ظاهرات و ظاهرهای «وجود»، در عین کثرت‌ناپذیری خود «وجود»..... ۳۲۰
۱. تظیری برای تکثر ظهور و ظاهرهای وجود در عین عدم تکثر خود وجود..... ۳۲۲
۲. اشکال ناهمسانی تعدد انفرادی جنس با تعدد ظهورات و ظاهرهای وجود و پاسخ آن..... ۳۲۲
۳. بیان نوع تعاریف بین حقیقت «وجود» و ظاهرهایش..... ۳۲۵
- گفتار ششم: اثبات گزاره («وجود» در همه ظاهرهایش اصیل است)..... ۳۳۱
- (الف) مراد از اصالت «وجود» در همه ظاهرهایش..... ۳۳۱
- (ب) برهان بر اصالت وجود در همه ظاهرهایش..... ۳۳۱
۱. برهان بر اساس امتناع رفع نقیضین..... ۳۳۱
۲. برهان بر اساس حمل شیء بر خودش بدون واسطه..... ۳۳۲
- نقض برهان دوم به حمل جنس بر نوع و پاسخ آن..... ۳۳۴
- (ج) تعلق اصالت به شیئیت ظاهرهای وجود، نه به ظهور آنها..... ۳۳۴
- اشکال لزوم ارتفاع نقیضین در صورت نیاز به انضمام ظهوری در حمل ظهورات و پاسخ آن..... ۳۳۵

- د) تفاوت اصالت وجود در موجودیت، و اصالت وجود در ظاهرهایش ۳۳۷
- ه) مقایسه اصالت وجود در همه ظاهرهایش با قاعده بسیط الحقیقه ۳۳۸
- گفتار هفتم: اثبات گزاره «وجود»، مطلق است) ۳۳۹
- برهان بر امتناع تقید حقیقت «وجود» ۳۳۹
- الف) برهان بر اساس عدم‌ناپذیری و کثرت‌ناپذیری «وجود» ۳۳۹
- ب) برهانی بر اساس تجزیه‌ناپذیری و عدم‌ناپذیری «وجود» ۳۴۰
- ج) برهان بر اساس امتناع رفع نقیضین از «وجود» ۳۴۱
- نقض برهان سوم به تقید ظهور مطلق و پاسخ آن ۳۴۳
- گفتار هشتم: اثبات گزاره «وجود» به حسب شیئیتش هیچ شیء دیگری
نیست) ۳۴۴
- د) در نه اثبات گزاره (هیچ شیئی وصف «وجود» نیست) ۳۴۵
- الف) اشکال لزوم ارتفاع نقیضین در صورت خالی بودن «وجود» از هر وصف
و پاسخ آن ۳۴۶
- ب) اشکال لزوم بی‌کمالی حقیقت «وجود»، از وصف‌ناواری آن، و پاسخ آن ۳۴۷
- ج) اشکال لزوم تهافت باقیات از «وجود» و ثبوت محمولات برای
آن، و پاسخ آن ۳۴۷
- گفتار دهم: اثبات گزاره (حقیقت «وجود» در مرتبه‌اش هیچ ظاهرهای ندارد) ۳۴۸
- اشکال لزوم ارتفاع نقیضین از بی‌اسم و بی‌مرتبه ذات حق و پاسخ
آن ۳۴۹
- کتابنامه ۳۵۱
- فهرست روایات ۳۵۸
- نمایه ۳۵۷
- نمایه موضوعی ۳۵۹

پیشگفتار

در پرتو پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، باز دیگر دین و معرفت دینی به‌ویژه تعالیم عالی‌الهی و الهی، به عنوان فکر و فرهنگ متمدنی و نجات بخش آدمی در عصر حیات انسان معاصر ظاهر شد. تجدید حیات تعالیم و حیانی و ارزش‌های اسلامی از سوی سبب بیداری و خودباوری ملت‌های مسلمان و احیای روح ملت‌های تیره در آنان شد و از دیگر سو باعث نمایان‌تر شدن سست‌پایگی اسلام و مکاتب بشری و نظام‌های مبتنی بر آنها شد.

بایستگی تحقیقات دقیق و منسجم، نظریه‌پروری و نوآوری درباره زیرساخت‌های اندیشه دینی و نظامات اجتماعی مبتنی بر آن و ضرورت پرداخت علمی و روزآمد به حوادث واقعه فکری و تراژدی شرایط کنونی و درخور این رستخیز عظیم و نیز لزوم آسیب‌شناسی در حوزه فرهنگ ملی و باورداشت‌های رایج دینی به منظور عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و زدودن پیرایه‌های موهوم و موهون از ساحت قدسی آن، تبیین و عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و صیانت از هویت فرهنگی و سلامت فکری اقشار تحصیل‌کرده و نسل جوان کشور، تأسیس نهاد علمی-پژوهشی و آموزشی، دانشگاهی و حوزوی محض و کارآمدی را فرض می‌نمود.

بر این اساس «پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» به عنوان یک نهاد علمی-فکری حسب‌الامر و بر اساس نظر رهبر فرهیخته انقلاب اسلامی

آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و با تلاش فراوان آیت‌الله علی‌اکبر رشاد در سال ۱۳۷۳ تأسیس شد.

این پژوهشگاه دارای شخصیتی حقوقی، مستقل و در حکم نهاد عمومی و غیردولتی و غیرانتفاعی است که در قالب چهار پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی، نظام‌های اسلامی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی و دانشنامه‌نگاری دینی، همچنین مرکز پژوهش‌های جوان فعالیت می‌کند.

پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی که مشتمل بر شش گروه علمی با عنوان‌های «فلسفه»، «معرفت‌شناسی»، «قرآن‌پژوهی»، «کلام و دین‌پژوهی»، «عرفان» و «تطویر مهم دین» است، برای تحقق هدف‌های زیر فعالیت می‌کند:

۱. بازپژوهی و بازپیرایی حکمت و کلام و معارف اسلامی؛
 ۲. تبیین و ساماندهی مناسب مباحث زیرساختی اندیشه دینی؛
 ۳. ایجاد بستر مناسب برای تعمق و پویایی و بالندگی اندیشه دینی؛
 ۴. پاسخ به شبهه‌های القایریست‌ها، مرعقايد و کلام اسلامی؛
 ۵. نقد مکاتب و دیدگاه‌های ممرض در حوزه زیرساخت‌های اندیشه دینی.
- در راستای تحقق هدف‌های فوق، در کنار کارهای پژوهشی از گروه‌ها، پس از تهیه عنوان‌های مطالعاتی اساسی و اولویت‌گذاری و تهیه پیش‌طرح و تصویب آن در شورای علمی گروه، آن را به اعضای هیئت علمی گروه یا محققان عرصه دین‌پژوهی، واگذار نموده و با نظارت بر روند اجرای تحقیق و تأیید نهایی، برای دسترسی عموم دانش‌پژوهان حوزه دین‌پژوهی، آن را در مجله کتاب و نشر می‌رسانند.

فلسفه اولی در صدد پاسخ به یکی از مهم‌ترین مسائل و دغدغه‌های آدمی است؛ مسئله‌ای که به سان نیاز فطری انسان، در خصوص فهم بنیادی‌ترین حقایق قابل فهم، طرح می‌شود. آدمی با کشف این حقایق به کمال لایق خویش نایل می‌آید؛ اما همان‌طور که فهم صحیح این حقیقت موجب کمال می‌شود، فهم نادرست حقیقت نیز موجبات ضلالت و گمراهی آدمی را فراهم می‌کند.

به نظر نویسندگان، مکتب‌های فلسفی موجود در عالم اسلام، بر دو پایه

بنیان نهاده شده‌اند: اول، تکثر «هستی» - به معنای مطلق واقعیت - و دوم، حکم‌پذیری «هستی»؛ حال آنکه در فلسفه‌های رایج بر این دو اندیشه نه تنها برهانی نیست، بلکه بر نفی آنها برهان‌هایی می‌توان ارائه کرد. محقق گرامسی پذیرش این دو مبنا را موجب ایجاد شکاف عمیقی میان فلسفه‌های رایج و فلسفه واقعی می‌داند؛ چراکه بر مبنای این دو دیدگاه، خود «هستی» - به معنای مطلق واقعیت - موضوع فلسفه اولی پنداشته شده و به دنبالش مسائلی به عنوان احکام این موضوع ارائه شده است؛ حال آنکه خود «هستی» - به معنای مطلق واقعیت - موضوع نیست و حکمی ندارد تا برای احکام آن بحث و جست‌وجو کرد. سپس احکامی برای آن ارائه گردد؛ بنابراین ضرورت دارد این فلسفه را هم - لحاظ این دو دیدگاه که پایه همه آنهاست و هم به لحاظ مسائلی که بر اساس این دو دیدگاه در آنها شکل گرفته، مورد نقد واقع گردند و سپس فلسفه‌های بر پایه نفی هر گونه کثرتی در خود «هستی» پی‌ریزی و بازسازی و ارائه شود. هدف ما قفا در نگارش این تحقیق، فراهم‌نمودن زمینه‌های عقلانی لازم برای بازسازی فلسفه بر اساس سه مبنای زیر است:

- خود هستی - به معنای مطلق واقعیت - هیچ‌گونه تکثری ندارد.

- حقیقت «وجود» بدون هیچ‌گونه کثرتی، و بدون هیچ‌گونه تغییر در خودش به کاستی و افزونی، یا به تنزل و تیزید به گونه نفس‌الأمری، در قالب‌های متعدد، بلکه بی‌نهایت، تجلی و ظهور می‌کند.

- موضوع فلسفه اولی عبارت است از حقیقت «وجود» از آن جهت که ظهور دارد، نه «موجود» از آن جهت که موجود است، و نه حقیقت «وجود» از آن جهت که وجود یا موجود است.

تحقیق حاضر بر اساس فرایند پژوهشی پژوهشگاه و در راستای هدف‌های پژوهشکده و به قلم محقق ارجمند جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حسین عشاقی در گروه فلسفه، تألیف و به زیور طبع آراسته شد.

استاد عشاقی از استادان مبرز فلسفه و عرفان اسلامی است که در زمینه حکمت اسلامی، تألیف‌های متعددی دارند. از جمله آثار ایشان به این موارد

می‌توان اشاره کرد: کتاب‌های *وعایة الحکمة فی شرح نهایة الحکمة*، *برهان‌های صدیقین*، *مواقع الخلل فی قواعد العلل*، *کثرت یا وحدت وجود*، و همچنین مقالات حکم‌ناپذیری وجود، *برهان‌های عدمی*، *باور به خدا شرط باور به هر گزاره ایجابی*. ایشان هم‌اکنون عضو هیئت علمی گروه فلسفه پژوهشگاه فرنگ و اندیشه اسلامی می‌باشد.

در پایان از همه اعضای شورای علمی گروه فلسفه، *ارزیابان جناب حجت‌الاسلام والمسلمین یدالله یزدان‌پناه* و *دکتر سیدمحمد انتظام* و همچنین مؤلف گرامی که با سعه صدر در تولید و بالندگی اثر تلاش کردند و سازمان انتشارات پژوهشگاه فرنگ و اندیشه اسلامی که مسئولیت آماده‌سازی، انتشار و توزیع آن را بر عهده داشت، *قدردانی* نموده، از *استادان و صاحب‌نظران* درخواست می‌شود با ارسال نظرها و پیشنهادهای سازنده خویش، ما را یاری کنند.

گروه فلسفه

پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی

مقدمه

الف) تبیین احسان و ضرورت بازسازی فلسفه بر مبنای وحدت وجود

فلسفه اولی پاسخی است به یک نیاز فطری انسان در مورد فهم زیربنایی‌ترین افکار انسانی و عام‌ترین حقایق قابل فهم. انسان با کشف این حقایق و درک این اصحار، نقیصه نادانی نفسش را نسبت به عام‌ترین حقایق و زیربنایی‌ترین افکار، برطرف می‌کند و به کمال لایق خود در این زمینه خواهد رسید؛ اما همان‌گونه که فهم درست انسان نسبت به حقایق، نقیصه بزرگی را از انسان برطرف می‌کند، به همان اندازه نادانی و نادرستی فهم انسان هم از آن حقایق، بسیار گمراه‌کننده و خطرآفرین و موجب سقوط انسان در ورطه پوچی و در دره گمراهی است؛ زیرا انحراف از جاده حقیقت، در دره عام‌ترین حقایق و زیربنایی‌ترین افکار، با انحراف از جاده حقیقت در مسائل جزئی و روینایی ملازم است؛ چنان‌که صحت این دعوا را می‌توان به وجود آثار سوء فلسفه‌های الحادی مشاهده کرد؛ از این رو لازم است انسان همواره به این خطر توجه نموده و افزون بر اینکه با یافتن یک فلسفه درخور تصدیق خود را از نقیصه نادانی نسبت به عام‌ترین حقایق و زیربنایی‌ترین افکار می‌رهاند، باید پیوسته در صدد بررسی و تحقیق بیشتر در مسائل به ظاهر کشف‌شده، یا ناقص کشف‌شده باشد، تا گرفتار جهل مرکب که بدتر از جهل بسیط است - آن‌هم در مورد عام‌ترین حقایق و زیربنایی‌ترین افکار - نگردد.

از سویی به نظر نگارنده، فلسفه‌های رایج و پررونق همه بر دو پایه موهوم

و دو اندیشه باطل پی‌ریزی شده‌اند که هر کدام بدون هر تأمل درخوری و بی‌هیچ برهانی، دیدگاهی مسلم و نظریه‌ای قطعی‌الصدق پنداشته شده، سپس بر اساس آن دو پایه موهوم، اما مسلم‌الصدق و غیرقابل مناقشه تفلسف، و به ظاهر فلسفه‌هایی ساخته شده‌اند؛ این دو دیدگاه عبارتند از یک - بحث تکثر «هستی» - به معنای مطلق واقعیت - که در همه فلسفه‌های رایج و پررونق به گونه‌ای اصل آن مسلم و غیرقابل مناقشه گرفته شده، اگر اختلافی هست در مقدار و بهیچونگی آن است و دو - قضیه حکم‌پذیری «هستی» که این نیز اصلی مسلم‌الصدق پنداشته شده است؛ حال آنکه در فلسفه‌های رایج بر این دو اندیشه نه تنها پی‌ریزی نیست، بلکه بر نفی آنها برهان‌هایی می‌توان ارائه کرد. «هستی» هیچ‌گونه کثرتی ندارد؛ چون بر اساس اصل امتناع ذاتی تناقض، «هستی» بدون هیچ شرط و قیدی، وجود و بابراین واجب‌الوجود بالذات است. و روشن است که واجب‌الوجود بالذات هیچ‌گونه کثرتی ندارد؛ پس «هستی» هیچ کثرتی ندارد و از این رو او هیچ حکمی نیز ندارد؛ چون هر گونه حکمی برای «هستی» با پذیرش نوعی کثرت در آن ملازم است که مفروض، بطلان آن است.

پذیرش این دو پایه موهوم و بی‌اساس در فلسفه‌های رایج و پررونق شکاف عمیقی را بین این شبه‌فلسفه‌ها و فلسفه واقعی ایجاد کرد، است؛ زیرا بر مبنای این دو دیدگاه، خود «هستی» - به معنای مطلق واقعیت - موضوع فلسفه اولی پنداشته شده و به دنبالش مسائلی را به عنوان احکام این موضوع ارائه کرده‌اند؛ حال آنکه خود «هستی» - به معنای مطلق واقعیت - موضوع نیست و حکمی ندارد تا بحث و جست‌وجو شود برای احکام آن و سپس احکامی برای آن ارائه گردد؛ بنابراین ضرورت دارد این فلسفه‌ها هم به لحاظ این دو دیدگاه که پایه همه آنها است و هم به لحاظ مسائلی که بر اساس این دو دیدگاه در آنها شکل گرفته، مورد نقد واقع گردند و سپس فلسفه‌ای بر پایه نفی هر گونه کثرتی در خود «هستی» پی‌ریزی، بازسازی و ارائه گردد.

به نظر ما تحقیق حاضر زمینه‌های لازم برای نقد مینا و بنای فلسفه‌های رایج و ارائه مبانی لازم برای بازسازی فلسفه‌ای نوین بر پایه نفی هر کثرتی در خود «هستی» را فراهم نموده است.

ب) پیشینه تحقیق

فلسفه تقریباً عمری برابر عمر انسان دارد؛ زیرا توجه به فلسفه، در عمق وجود انسان ریشه دارد؛ چون انسان همواره به گونه فطری با پرسش‌های بنیادین در مورد عام‌ترین حقایق هستی مواجه بوده است و به گونه فطری برانگیخته می‌شود است که پاسخ‌هایی را در مورد آن پرسش‌ها بیابد؛ از این رو ما از عهد باستان تا کنون همواره با فلسفه‌ها و فلسفه‌سازی‌های گوناگون مواجه بوده و هستیم. این قدم‌ها بر اساس عوامل مختلف، با رویکردهای گوناگون و با شیوه‌های متفاوت به وجود آمده‌اند؛ برخی الهی‌اند و برخی الحادی؛ برخی مادی‌گرایانه‌اند و برخی متنازکی، برخی وحدت‌گرا هستند و برخی کثرت‌گرا؛ همچنین به لحاظ شیوه اکتساب برخی اصالت را به فکر و نظر می‌دهند، و برخی به ریاضت و شهود و برخی سعی در جمع هر دو راه دارند.

در این میان، توجه به وحدت یا کثرت «نبود» یا «موجود» نقش چشمگیری در انعقاد مکاتب فلسفی وحدت‌گرا یا کثرت‌گرا داشته است؛ زیرا بر اساس میزان قوت و ضعفی که در کثرت وجود یا وجود مورد قبول صاحب‌نظران بوده، سه مکتب معروف مشائی، اشراقی و حاکمی شکل گرفته است؛ توضیح که وجود نزد مشائیان متکثر به گونه‌ای که به آن حقایق متباینه‌ای قائل شده‌اند؛ بنابراین موضوع فلسفه برای آنها، حقایقی است متکثر و متباین که جامع ذاتی مشترکی بین آنها نیست، و فقط آنها در یک مفهوم عامی که بالعرض بر آنها حمل می‌شود، اشتراک دارند. طبعاً فلسفه‌ای با چنین موضوعی، از فلسفه‌هایی که موضوعش وجودی است که فقط یک حقیقت واحد دارد، یا چند حقیقت معدود دارد، متفاوت است. اینجا بود که مکتب فلسفی مشائی بر اساس موضوعی چنین متکثر شکل گرفت. در فلسفه اشراقی

نیز موجود متکثر و متباین بود، ولی تباین آن فقط به دو حقیقت نور و ظلمت منحصر بود؛ بنابراین فلسفه‌ای که آنها برای چنین موضوعی با چنین تکثری ساختند، از فلسفه‌های دیگر متمایز بود، و اینجا بود که مکتب خاصی در فلسفه شکل گرفت. بعد نوبت به حکمت متعالیه صدرائی رسید. صدرالمتألهین مرسوم فلسفه را «وجود» که حقیقتی یک‌گونه و موجودی یگانه، اما دارای مراتب متعدد بود قرار داد، و طبعاً فلسفه‌ای متناسب با چنین موضوعی که به صورت تشکیکی، واحد و متکثر بود، شکل گرفت و مکتب جدیدی در فلسفه به ظهور رسید.

فلسفه‌ای مدعا را رایج، در طول تاریخ عموماً بر اساس کثرت وجود یا موجود شکل گرفته و نشان شده‌اند؛ زیرا کثرت وجود یا موجود با محسوسات و مشهودات دانش‌پرهان سازگارتر بوده، بلکه آنها کثرت وجود یا موجود را یک امر بدیهی غیر قابل بحث تلقی می‌کرده‌اند؛ اما در عین حال، بحث وحدت وجود یا موجود، این آیه، همواره مورد توجه فیلسوفان بوده است، و از دوره فلسفه‌های کهن تا به امروز، گفت‌وگوهایی در تأیید آن مطرح بوده است. در دوره اسلامی به برکت بنا بر روایاتی در این زمینه، این بحث شکوفایی خاصی یافت و ابتدا در عرفان اشعری و سپس در عرفان نظری، شخصیت‌هایی چون حلاج، ابن عربی، قونوی، مولوی، ابن‌زکریا، سیدحیدر آملی و دیگران از این دیدگاه حمایت کردند؛ بر اساس این دیدگاه، حقیقت «وجود» هیچ‌گونه کثرتی در خود ندارد، بلکه اگر کثرتی هست مربوط به مظاهر و تجلیات این حقیقت از هر جهت نامتکثر است. روشن است اگر فلسفه بر اساس این دیدگاه بازسازی شود، باید در کلیت فلسفه‌های رایج تجدید نظر شود و چون این دیدگاه که «وجود» هیچ‌گونه تکثری در خودش نیست، با براهین متعدد قابل اثبات است؛ بنابراین چاره‌ای نیست که باید فلسفه بر این

۱. برای نمونه، ر.ک: مهدی جواهریان و پیام یزدانجو؛ *اوپانیساده‌ها*: جان و جهان؛ دفتر دوم،

مبنای نوسازی گردد و این هدفی است که در این رساله پیگیری خواهد شد. باید توجه داشت صدرالمতالیهین و پیروانش گام فراخی در تدوین یک فلسفه وحدت‌گرا برداشتند که به عنوان «حکمت متعالیه» یا «فلسفه برین» مشهور شده است؛ ولی به نظر نگارنده این گام فراخ، از گام‌های اولیه و پیشین برای رسیدن به یک فلسفه وحدت‌گرای برین است، و در رهانیدن فلسفه از کثرت‌گرایی در وجود و رساندن آن به هویت واقعی‌اش کافی نبود؛ زیرا هستی - به معنای مطلق واقعیت - از آن جهت که هستی است، به کلی از کثرت مبرا است؛ ولی فلسفه ایشان یا به گونه تشکیک تفاضلی یا غیرتفاضلی در حقیقت «و-رد»، آن را راه می‌دهد و از همین نقطه، زمینه زاویه‌گیری از جاده حقیقت فلسفه ایشان شکل گرفته است؛ از این‌رو در گام‌های پسین، باید حقیقت «وجود» را از هر گونه کثرتی منزّه دانست و سپس بر مبنای نفسی هر کثرتی در خود هستی - به معنای مطلق واقعیت - فلسفه را بازسازی کرد؛ از این‌رو ما این بازتولید فلسفه را «گام‌های پسین در فلسفه برین» نام نهادیم.

ج) هدف و روش در این تحقیق

هدف در این پژوهش این است که زمینه‌های عتباتی لازم برای بازسازی فلسفه بر اساس مبانی زیر فراهم شود. این مبانی عبارتند از بخش اصلی آنها را در آخر رساله اثبات کرده‌ایم؛ ولی از میان آنها سه مبانی اصلی‌تر زیر بیشتر اهمیت دارند که عبارت‌اند:

۱. در خود هستی - به معنای مطلق واقعیت - هیچ‌گونه تکثری نیست؛ نه کثرت تباینی، نه کثرت تشکیک تفاضلی و نه کثرت تشکیک غیرتفاضلی و نه هر گونه کثرت قابل تصور دیگری که مربوط به خود هستی - به معنای مطلق واقعیت باشد.
۲. حقیقت «وجود» بدون هیچ‌گونه تکثری و بدون هیچ‌گونه تغیر در

۱. در عنوان عربی آن نام «الأقدام التالية في الحكمة المتعالية» را انتخاب کرده‌ایم.

خودش به کاستی و افزونی، یا به تنزل و تقید، به گونه نفس‌آمیزی، در قالب‌های متعدد، بلکه بی‌نهایت، تجلی و ظهور می‌کند.

۳. موضوع فلسفه اولی عبارت است از حقیقت «وجود» از آن جهت که ظهور دارد، نه «موجود» از آن جهت که موجود است و نه حقیقت «وجود» از آن جهت که وجود یا موجود است.

در بخش و شیوه ما در این رساله، صرفاً استدلالی و اغلب برهانی است. ما هر سوایی را با برهان رد می‌کنیم و نیز هر دعوایی را با شیوه برهانی اثبات کرده‌ایم. هرچه گاهی به سبب عوامل خاصی از شیوه جدلی نیز بهره برده‌ایم. در بیان استدلال‌ها نیز سعی کرده‌ایم بر اساس قواعد و قالب‌های منطقی، استدلال‌ها را تناسیم کنیم، با استدلال‌ها، ابهام‌ها کمتر و التزام به نتیجه، آسان‌تر شود.

(د) تعریف مسئله و بیان پرسش‌ها، تحقیق

قبل از اینکه به فلسفه‌خوانی یا فلسفه‌سازی روآوریم، باید به این پرسش پاسخ دهیم که فلسفه در چه زمینه‌هایی ممکن است به انسان اطلاعاتی بدهد، و راجع به چه موضوع یا موضوعاتی می‌تواند سخن بگوید؟ آیا آن‌گونه که فلاسفه ادعا کرده‌اند، موضوع فلسفه عبارت است از حقیقت «وجود» یا «وجود مطلق» یا «موجود بما هو موجود»؟ یا آن‌گونه که عرفا می‌گویند، اصلاً خود هستی - به معنای مطلق واقعیت - هیچ اسم و رسمی ندارد و حکم‌پذیر نیست؟ از این‌رو در این رساله ابتدا این پرسش طرح شده است که آیا دیدگاه عموم فلاسفه درباره موضوع فلسفه درست است یا نه؟ و به دنبال این پرسش‌ها مطرح است که آیا آنچه به عنوان احکام هستی - به معنای مطلق واقعیت - در مسائل فلسفی مطرح شده، شرایط حکم‌بودن را برای چنین موضوعی دارند یا نه؟ و اگر شرایط حکم‌بودن را ندارند، موانع حکم‌بودن آنها برای چنین موضوعی و موانع موضوع‌شدن هستی - به معنای مطلق واقعیت - برای چنین احکامی چیست؟ بعد از اینکه روشن شد هستی - به معنای مطلق

واقعیت - ممکن نیست موضوع فلسفه اولی باشد، این پرسش مطرح شده است چه چیزی شایسته است که موضوع فلسفه اولی باشد؟ و محمولات مسائل فلسفی باید چه خصایصی داشته باشند؟

ه) فرضیه‌های تحقیق

بر اساس بحث‌های انجام‌شده در این رساله، فرضیه‌های تحقیق عبارت‌اند از:

۱. بودن هستی - به معنای مطلق واقعیت - به هیچ‌وجه تکثری ندارد.
۲. این‌رو و به دلیل‌های دیگر، خود هستی - به معنای مطلق واقعیت - حکم‌پذیر نیست، نابراین، این حقیقت - با تعبیرهای مختلفش - موضوع فلسفه اولی نیست.
۳. از این‌رو، در گزاره‌هایی که موضوعشان هستی و محمولشان یکی از امور عامه است، نه آن امور عامه از حکام حقیقت «وجود» هستند و نه آن گزاره‌ها از مسائل فلسفه اولی، بلکه آن گزاره‌ها از مبادی تصدیقی فلسفه اولی هستند.
۴. موضوع فلسفه اولی، حقیقت «وجود» است از آن جهت که ظهور دارد.
۵. ظاهره حقیقت «وجود»، نمودی است از «حقیقت وجود» که بدون اینکه هیچ‌گونه تغییری و تکثری در شئیت این حقیقت به وجود آورد، آن را در قالب خاصی نشان می‌دهد.
۶. بر خلاف خود هستی - به معنای مطلق واقعیت - نه به هیچ‌وجه تکثری ندارد، ظاهره‌های «وجود» متکثر، بلکه بی‌نهایت هستند.
۷. محمولاتی که بر موضوع فلسفه اولی، یعنی حقیقت «وجود» از جهت ظهورش، حمل می‌گردند، همان ظاهره‌های «وجود» هستند.
۸. بر پایه موضوع و محمول انتخابی، باید فلسفه اولی در کلیتش بازسازی شود یا احیاناً تحلیل آن عوض گردد.

و) نوآوری و نقدهای تحقیق

چنان‌که قبلاً اشاره شد، این رساله دو بخش اصلی دارد. بخش اول به طور

عمده نقدهایی است که در زمینه مبادی و مسائل اصلی سه مکتب فلسفی معروف و رایج مشائی، اشراقی و متعالی وارد شده است.

از مهم‌ترین مبادی این سه مکتب، موضوع فلسفه اولی است که از نظر هر سه مکتب عبارت است از خود «هستی» به معنای مطلق واقعیت. در نقد این دیدگاه، هم نقدهای مشترک بر سه مکتب وارد شده است و هم نقدهایی که به هر یک از این سه مکتب، اختصاص دارد. در نقد مشترک با براهین متعدد برین شده که خود «هستی» اصلاً حکم‌پذیر نیست و نیز موانع حکم‌پذیری «هستی» برین است و بدین وسیله روشن شده است که اصلاً زمینه عروض را از حق حکمی در خود «هستی» فراهم نیست تا بتوان این حقیقت را موضوع فلسفه اولی قرار داد. در نقدهای اختصاصی هر مکتب نیز روشن شده است که دیدگاه هر یک از این سه مکتب به گونه‌ای است که با موضوع بودن خود «هستی» بر این فلسفه سازگاری ندارد.

در همین بخش، سایر مبادی و مسائل اصلی هر یک از سه مکتب، مورد نقد واقع شده و با براهین متقن و روشن، کاستی یا بطلان هر یک از آنها روشن گردیده و بدین وسیله ضرورت تعدد نظر و بازسازی در مبادی و مسائل فلسفه اولی روشن شده است.

در بخش دوم که عمده مباحث آن، بدیع و بی‌سفسه با طرح مقدماتی، ابتدا ثابت شده است که حقیقت «وجود»، بدون اینکه پیشینش هیچ‌گونه تکثری یا تغییری به کاستی یا افزونی، رخ دهد، می‌تواند در مراحلی مختلفی ظاهر شود. این ادعا را هم به شیوه جدلی و بر اساس مبانی پذیرنده فلسفه روشن کرده‌ایم، تا استیناسی نسبت به این ادعا فراهم شده باشد و هم آن را با دو برهان مبتنی بر مقدمات بدیهی روشن کرده‌ایم، تا مسئله به صورت یقینی نیز اثبات شده باشد.

سپس با طرح این دیدگاه که موضوع فلسفه اولی، «حقیقت وجود از جهت ظهور»، است. روشن کرده‌ایم نه تنها موانعی که از موضوع بودن خود «هستی» برای فلسفه جلوگیری می‌کرد در این دیدگاه وجود ندارد، بلکه شرایط لازم

برای موضوع فلسفه بودن را نیز واجد است؛ از این رو، ما در دیدگاه انتخابی، موضوع فلسفه اولی را همین موضوع قرار دادیم و گفته ایم که موضوع فلسفه اولی عبارت است از حقیقت «وجود» از آن جهت که ظهور دارد، نه از آن جهت که وجود یا موجود است.

عوض شدن موضوع فلسفه اولی، در دگرگونی ساختار و محتوای مسائل آن نقش مؤثری خواهد داشت؛ از جمله اینکه تمام گزاره‌هایی که در بخش امور عامه فلسفه‌های رایج از مسائل فلسفه اولی محسوب می‌گردند، در فلسفه انتخابی ما از مبادی تصدیقی فلسفه اولی خواهند شد؛ زیرا بر مبنای حکم نانیری سو «هستی»، محمولاتی که در بخش امور عامه بر «هستی» حمل می‌گردند، از احکام این حقیقت نخواهد بود؛ بنابراین گزاره‌های حاصله، از مسائل فلسفه اولی نخواهند بود، بلکه همه آن محمولات از ظهورات این حقیقت خواهند بود. در حقیقت، آنها بر هستی روشن می‌کند که این حقیقت در قالب تعین آن امور به تجلی و ظهور رسیده است؛ از این رو، این حقیقت که در چهره این امور عام ظاهر و متجلی شده است، به لحاظ مطلق ظهور موضوع فلسفه اولی می‌گردد و از اینجا به بعد با به جست‌وجوی احکام این حقیقت متجلی، از آن جهت که حقیقت متجلی است، بر دازد و با حمل آن احکام بر «وجود متجلی» مسائلی از مسائل فلسفه اولی شکل می‌گیرند.

در ادامه این بخش به اثبات مهم‌ترین گزاره‌هایی که در نگاه ما از مبادی تصدیقی فلسفه اولی هستند پرداخته‌ایم و هر یک از آنها را با راهی متعدد - که معمولاً بدیع و بی‌سابقه‌اند - اثبات نموده‌ایم.

ز) ساختار کلی این تحقیق

رساله‌ای را که در پیش رو دارید و با نام «گام‌های پسین در فلسفه برین (گام مبنایی)» نام‌گذاری شده است، شامل یک دیباچه و دو بخش است.

در دیباچه به نکات مقدماتی مثل ضرورت فلسفه‌سازی، پیشینه، هدف، پرسش‌های اصلی و فرعی، فرضیه‌ها و نوآوری‌های تحقیق پرداخته شده است.

بخش اول رساله که با عنوان «فلسفه از نگاه دیگران» نام‌گذاری شده است، شامل یک مقدمه با عنوان «تمهیدات» و سه فصل است. هر فصل نیز دو مبحث و هر مبحث چندین گفتار دارد. در مقدمه این بخش عمدتاً به بحث حکم‌ناپذیری «وجود» و نکات مربوط به آن، که زیربنای نقدهایی است که در بخش اول به مکاتب سه‌گانه وارد شده، پرداخته شده است.

فصل اول بخش اول، شامل دو مبحث است که در مبحث اول، مبادی و مسائلی اصلی فلسفه مشائی، ارائه و مستندسازی شده، و در مبحث دوم مطالب مبحث اول نقد شده است.

فصل دوم بخش اول نیز شامل دو مبحث است که در مبحث اول، مبادی و مسائلی اصلی «سفا» ارائه و مستندسازی شده و در مبحث دوم، مطالب مبحث اول نقد شده است.

همچنین فصل سوم این بخش، شامل دو مبحث است که در مبحث اول مبادی و مسائلی اصلی فلسفه متعالی ارائه و مستندسازی شده است، و در مبحث دوم، مطالب مبحث اول نقد شده است.

بخش دوم رساله که با عنوان «فلسفه از نگاه ما» نام‌گذاری شده است، شامل دو فصل و هر فصل شامل دو مبحث، و هر مبحث شامل چندین گفتار است.

در مبحث اول از فصل اول بخش دوم با هشت گفتار به مباحث مقدماتی مربوط به موضوع فلسفه اولی از نگاه ما پرداخته شده است. در مبحث دوم همان فصل اول، با دو گفتار در مورد خود موضوع فلسفه اولی از نگاه ما، مطالبی ارائه شده است.

در مبحث اول از فصل دوم بخش دوم با سه گفتار به مباحث مقدماتی درباره مبادی تصدیقی فلسفه اولی پرداخته شده است. در مبحث دوم از همین فصل با ده گفتار مهم‌ترین مبادی تصدیقی فلسفه اولی اثبات شده است.